

فصلنامه علمی-پژوهشی **رهیافت**

سال یازدهم، شماره 40، پاییز 1396
صفحه 3 تا 24

بررسی تأثیر عملکرد نخبگان سیاسی بر فرآیند پیشرفت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

سیدمحمد رضا احمدی طباطبایی / دانشیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده

مسئول) tabatabai@isu.ac.ir

مهدی اسدی / دانش آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) mahdiasadi51@yahoo.com

چکیده

با شکل گیری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، دغدغه توسعه و پیشرفت همواره در میان نخبگان سیاسی ایران وجود داشته است. از آنجا که در کشور ایران، جامعه عموماً ضعیف و تشکل نیافته است، مسئولیت تحول ساختاری بر عهده نخبگان سیاسی حاکم خواهد بود. پرسش اصلی این مقاله این است که؛ نخبگان سیاسی در فرآیند پیشرفت سیاسی ج.ا.ایران چه نقشی را می بایست عهده دار شوند؟ نویسندگان با استفاده از مدل تحلیلی SWOT تأثیر و عملکرد نخبگان سیاسی در فرآیند حرکت ج.ا.ایران از ابتدا تاکنون را تحلیل و در نهایت استراتژی های پیشرفت سیاسی را بر اساس نقاط ضعف و قوت و فرصت ها و تهدیدها در این خصوص، استخراج کرده است. برنامه ریزی نخبگان سیاسی، اجماع نظر نخبگان سیاسی بر اهداف و سازوکارهای پیشرفت سیاسی، تقویت جامعه مدنی، شفافیت نخبگان سیاسی و فرهنگ سیاسی متناسب با پیشرفت از مهم ترین پیش نیازهای فرآیند پیشرفت سیاسی ج.ا.ایران است که می تواند در رفع موانعی چون ضعف جامعه مدنی، عدم شکل گیری مناسب نهادهای سیاسی، عدم پایبندی به قانون و کامل نشدن فرآیند رقابت و مشارکت سیاسی در جامعه ایران، مؤثر واقع شود.

کلیدواژه: نخبگان سیاسی، پیشرفت سیاسی، توسعه سیاسی، فرهنگ سیاسی، جمهوری اسلامی ایران.

تاریخ تأیید 1396/08/30

تاریخ دریافت 1396/07/19

مقدمه

انواع جوامع به لحاظ فرهنگ و نظام سیاسی، بر اساس بافت نخبگانی جوامع شکل می‌گیرد. علاوه بر این، اهداف هر جامعه توسط نخبگان آن تعیین و یا دستخوش تغییر می‌شود. نخبگان سیاسی در مفهومی وسیع شامل فعالان، شخصیت‌های سیاسی و نمایندگان برگزیده می‌شود، که به گونه‌ای رسمی یا غیررسمی در تولید و تدوین و اجرای سیاست‌های نظام سیاسی نقش دارند. سیاست‌گذاری و مملکت‌داری مطلوب، اساساً محصول فرآیند تعاملی نخبگان است و این مستلزم آن است که نخبگان سیاسی تساهل لازم را برای به کارگیری نیروهای متفاوت در سطوح مختلف جامعه نشان دهند تا هر نخبه سیاسی خود را در پرتو یک مجموعه و یک کلیت مشاهده و عمل کند. مسئولیت اصلی در ایجاد تفاهم و تعادل به عهده نخبگان سیاسی است.

اما این مسئله به آن بستگی دارد که نخبگان و رهبران یک جامعه چگونه می‌خواهند مملکت را اداره کنند، به عبارت دیگر فلسفه و چارچوب مدیریتی رهبران و نخبگان اهمیت دارد. بنابراین موضوع به روحیه، خلق و خوی و مبانی فکری حکومت‌کنندگان، بافت اجتماعی، سیاسی و حتی قانون اساسی آنها بستگی دارد. نخبگان سیاسی باید به ضرورت تعامل انتقادی - تفاهمی و تقابلی فکری و متعاقباً قاعده‌مندی در رفتار سیاسی پایبند باشند. این پایبندی در شرایط بلوغ سیاسی به دست می‌آید. اما بلوغ سیاسی، در خلاء به وجود نمی‌آید. جامعه بالغ بدون گذر از طفولیت سیاسی، به بلوغ سیاسی نمی‌رسد و این مستلزم آن است که در درجه اول نخبگان سیاسی به درجه‌ای از بلوغ سیاسی رسیده و با درک و فهم وجوه تمایز میان طفولیت سیاسی (جامعه نابالغ) و بلوغ سیاسی، زمینه و بستر جامعه بالغ را فراهم و تسهیل کنند. جامعه بالغ اصول کنجکاوی، انتقاد، تعامل و تفاهم را جدی می‌گیرد و آن را تقویت می‌کند تا ثمره آن، کارآمدی، مطلوبیت و خلاقیت باشد.

از آنجا که جامعه ما جامعه‌ای در حال گذار است و بسیاری از موضوعات با مسائل سیاسی آمیخته شده، لذا ساختن آینده، به یک شجاعت و بلوغ سیاسی در درون شاکله نخبگان سیاسی که متعاقباً بتواند کل جامعه را در برگیرد، نیاز دارد. نخبگان سیاسی به دو شیوه عمده می‌توانند در کنش‌های تاریخی و اجتماعی جامعه خود مؤثر باشند؛ تصمیم‌گیری و الگوسازی. تصمیم‌گیری؛ به کنش سیاسی - اجتماعی نخبگان سیاسی مربوط است که به سبب قدرت و تأثیری که دارند، می‌توانند عوامل پیشرفت سیاسی جامعه را با عملکرد خود سرعت ببخشند و یا برعکس مانع از شکل‌گیری این عوامل شوند. الگوسازی از طریق

ایجاد ارزش‌ها یا عمق بخشیدن به آنها نیز مربوط به رفتار سیاسی - اجتماعی نخبگان سیاسی است و آنها می‌توانند از طریق نهادینه کردن مؤلفه‌ها و عوامل پیشرفت سیاسی در رفتار خود به عنوان الگوهای مناسب در جهت نهادینه شدن این عوامل در میان مردم جامعه، تأثیرگذار باشند.

هدف مقاله حاضر، رسیدن به راهکارهای پیشرفت سیاسی در جامعه ایران است. پس از گذشت حدود 40 سال از انقلاب اسلامی ایران، ضرورت دارد تا ضعف ج.ا.ایران در مسئله پیشرفت سیاسی و عناصر و مؤلفه‌های آن مثل قانونمندی، شکل‌گیری احزاب، جامعه مدنی، مشارکت و رقابت سیاسی مورد واکاوی قرار بگیرد تا از خلال این بررسی‌ها، به تدریج موانع و مشکلات نیل به پیشرفت سیاسی مرتفع و شکل مناسب فعالیت سیاسی در ج.ا.ایران محقق شود. بنابراین در این مقاله درصدد هستیم با توصیف و تحلیل وضعیت موجود نقش و جایگاه نخبگان سیاسی در پیشرفت سیاسی ج.ا.ایران، راهکارهایی در جهت رسیدن به پیشرفت سیاسی از منظر عملکرد نخبگان سیاسی ارائه کنیم.

در همین راستا سؤال اصلی این پژوهش آن است که عملکرد نخبگان سیاسی حاکم در ج.ا.ایران چه تأثیری بر فرایند پیشرفت سیاسی جامعه داشته است؟ و چه نقشی در تسریع حرکت به سمت پیشرفت سیاسی می‌تواند داشته باشد؟

برای پاسخ به این سوال، از روش مطالعات توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز استفاده شده است. با بهره‌گیری از مدل تحلیلی سوات استراتژی‌های پیشرفت سیاسی ج.ا.ایران را استخراج کرده‌ایم. این مدل تحلیلی به ما کمک می‌کند تا استراتژی‌هایی که باعث هماهنگی نقاط قوت درونی قانون اساسی و نظام سیاسی با فرصت‌های موجود در جامعه است، به دست آید. ورودی‌های مدل تحلیلی SWOT در موضوع پیشرفت سیاسی ج.ا.ایران شامل موارد زیر است:

الف) محیط درونی: تحلیل رفتار و عملکرد نخبگان سیاسی ج.ا.ایران که در درون طبقه حاکم در نظام سیاسی حضور دارند، شناخت ما از محیط درونی را بدست می‌دهد.
 ب) محیط بیرونی: تحلیل رفتار شهروندان و فضای جامعه ایران، به منزله شناخت محیط بیرونی در استفاده از این تحلیل در پژوهش ما می‌باشد. شناخت محیطی که نظام سیاسی در آن شکل گرفته است در تعیین استراتژی‌ها و پیاده‌سازی آنها از اهمیت فراوانی برخوردار است. شناختی که منجر به شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات محیطی نظام سیاسی خواهد شد، بر موفقیت آن در پیشرفت سیاسی تأثیر بسزایی خواهد داشت.

چارچوب نظری

نظریه ادوارد شیلز در باب رابطه نخبگان سیاسی و توسعه سیاسی قابل انطباق با شرایط فعالیت‌های سیاسی و سیاست‌ورزی نخبگان در نظام ج.ا.ایران است. وی معتقد است عمده‌ترین مانع در راه توسعه سیاسی در جوامع جهان سوم شکاف بین اقلیت نخبگان تازه متجدد شده با توده مردم بیگانه با تجدد است. وی پنج نوع نظام سیاسی را بر اساس مدارج توسعه سیاسی، معرفی می‌کند: دموکراسی سیاسی، دموکراسی سیاسی حمایت شده، الیگارشی نوگرا، الیگارشی تمامیت خواه و الیگارشی سنتی. دکتر خرمشاد معتقد است با توجه به شرایط قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام سیاسی ایران در شرایط دموکراسی حمایت شده قرار دارد. شیلز معتقد است که این نظام‌ها، جوامعی هستند که امکانات دستیابی به دموکراسی را دارند ولی هنوز فرهنگ مدنی آنها آسیب پذیر است و نظام فکری سنتی در آنها غلبه دارد. اینها جوامعی هستند که فعلاً اولویت را به نوسازی اقتصادی و اجتماعی می‌دهند، نهادهای دموکراسی در آنها موجود است ولی متنوع نیست، تفکیک قوا موجود است ولی کارآمد نیست و چون قوه مجریه حاکم است محدودیت‌هایی برای بازی عادی دموکراسی فراهم می‌آید (خرمشاد، 1382: 95).

به نظر می‌رسد که چهار مورد فوق درباره ایران مصداق دارد. شیلز معتقد است مانع عمده و اصلی برای برون رفت از این شرایط آن است که نخبگان، قواعد بازی دموکراسی را نپذیرفته و به آن ملزم نشده‌اند. بنابراین راه حل خروج از بن بست، خواست، فعالیت و صداقت نخبگان است. وی معتقد است که نخبگان به این امر عمل نمی‌کنند زیرا پذیرش قواعد بازی از سوی این گروه مساوی با کاهش قدرت آنهاست. بنابراین هر کدام از طرفین خواستار آن هستند که طرف دیگر به قواعد بازی تن دهد. با الهام از این مطلب می‌توان گفت در نتیجه پذیرش نظریه شیلز و با توجه به شرایط ایران امروز، مانع عمده بر سر راه توسعه سیاسی خود نخبگان هستند. نخبگانی که توسعه سیاسی را در پذیرش قواعد بازی توسط رقیب و نه التزام خود به قواعد بازی می‌بینند. بنا به گفته افلاطون در این جا قدرت از نوع «خیر محدود است»؛ بنابراین افزایش سهم یکی برابر کاهش سهم دیگری است و هیچ کس در ایران امروز نمی‌خواهد آن دیگری باشد (خرمشاد، 1382: 96).

شیلز، پیشرفت اقتصادی و حاکمیت سیاسی را نماد یک جامعه توسعه یافته می‌داند. حاکمیت سیاسی در دیدگاه وی مستلزم خصوصیات نظیر داشتن احزاب قدرتمند در جامعه، دستگاه قانونگذاری و قوه قضائیه مستقل و بی‌طرف است. حاکمیت سیاسی در

چنین جوامعی در یک فرایند دموکراتیک و قانونی با جامعه در تعامل به سر می‌برد و مردم با مشارکت سیاسی و قانونی در فرایند حاکمیتی به پیشبرد اهداف حاکمیت جامع عمل می‌پوشانند. شیلز، از نیروهای نظامی و پلیس به عنوان حافظان قانون در چنین جامعه‌ای نام برده که وظیفه برقراری نظم را در کشور دارند و معتقد است که چنین جامعه‌ای بر اساس اجماع ملی بر سر منافع ملی شکل گرفته که بر اساس ارزش‌های دموکراتیک اهداف و منافع ملی حاکمیت سیاسی را تأمین می‌نماید.

1. مفهوم شناسی

1-1. نخبگان سیاسی

در فرهنگ علوم سیاسی در تعریف نخبگان آمده است: «این واژه در معنای وسیع شامل گروهی از افراد است که در هر جامعه‌ای دارای مقام‌های برجسته هستند و در معنای خاص عبارت است از هر گروهی از افراد که در یک زمینه مشخص برجسته باشند. به ویژه اقلیت حاکم و محافظی که اقلیت حاکم از آن برمی‌خیزند» (آقابخش و همکاران، 1375: 124). گوی روشه نخبگان را اشخاص و گروه‌هایی می‌داند که «به واسطه قدرتی که به دست آورده‌اند و تأثیری که بر جای می‌گذارند، یا به وسیله تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند و یا به وسیله ایده‌ها، احساسات و یا هیجاناتی که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه نقش مؤثر ایفا می‌کنند» (روشه، 1366: 69).

معیارهای نخبگی بر اساس تعاریف ارائه شده عبارتند از: برخورداری از قدرت، تأثیر گذاری بر دیگران و جامعه، توانایی اتخاذ تصمیمات کلان برای جامعه، توان اندیشیدن، خلاقیت فکری و توان الگو سازی. منظور ما در این پژوهش از نخبگان سیاسی همان مقامات هستند که طبقه حاکم در نظام سیاسی محسوب می‌شوند و شامل رهبری نظام، رؤسای قوا، اعضای شورای نگهبان، اعضای مجلس خبرگان رهبری، وزراء، معاونین رؤسای قوا و نمایندگان مجلس می‌باشند.

1-2. پیشرفت سیاسی

پیشرفت سیاسی عبارت است از گسترش مشارکت و رقابت در عرصه زندگی سیاسی در سطح نخبگان و تسری آن به سطح توده‌های اجتماعی که طبعاً مستلزم پیدایش تشکیلات، سازمان‌ها و احزاب سیاسی است. در یک تعریف تقریبی «پیشرفت سیاسی دستیابی به موقعیتی است که در آن یک نظام سیاسی به جستجوی آگاهانه و موفقیت آمیز برای افزون شدن کیفی ظرفیت سیاسی خود از طریق ایجاد نهادهای مؤثر و موفق نایل آید»